

در فهم مشارکت و خواست مردم در انتخابات ۱۴۰۲ و امیدی که می‌توان در آن پرورد

فرصت تنفس سیاست ایران

«محمد یلماز»

در این یادداشت چه بسا بتوان با نگاه به آمارهای مشارکت در انتخابات‌های تاریخ ج.ا.، آرای مردم را در پنج سید معنایی، متناظر با پنج بازه‌ی بیست درصدی با اندکی اغماض دسته‌بندی کرد و این‌گونه فهمی برای امروزمان حاصل نمود:

۱) رأی بازه‌ی ۱۰۰٪-۸۰٪ : آن دسته‌های کمتر در دید از جامعه که به دلایل مختلف، در نقطه‌ی خیلی دوری از سیاست و وضع عمومی کشور قرار دارند و عدم شرکت این گروه در انتخابات‌ها طبیعی و همیشگی تلقی می‌گردد. به جز همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی در سال ۵۸ و نیز انتخابات ۸۸ که با مشارکت ۸۵ درصدی مردم رقم خورد، مشارکتی در این بازه نداشته‌ایم. بی‌توجهی سیاسی بخش قابل توجهی از این افراد متأسفانه به علل تحمیلی مانند شدت فقر و رنج و انواع محرومیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی برمی‌گردد. امید که اگر در کوتاه‌مدت از انجام کاری در قبال جلب مشارکت‌شان ناتوانیم، امروز در غفلت عمیق از حال‌شان نباشیم.

۲) رأی بازه‌ی ۸۰٪-۶۰٪ : کسانی که به خاطر رانه‌های عادی وارد صحنه‌ی انتخابات نمی‌شوند، بلکه تنها در مواقعی که نشاط سیاسی بر کشور حاکم شده و در دوگانگی‌های انتخاباتی و رقابت دو یا چند گفتار عمومی، صیانت از امیدی مهم یا جلوگیری از ناامیدی درخوری در صحنه‌ی انتخابات امکان انتخاب و همراهی یافته، در میدان حاضر می‌شوند؛ مانند آن‌چه در اکثر انتخابات‌های ریاست‌جمهوری در سال‌های ۵۸، ۶۰، ۷۶، ۸۰، ۸۴، ۸۸، ۹۲ و ۹۶ شاهد آن بودیم و مایه‌ی سرفرازی و بالندگی جمهوری اسلامی ایران بوده است. با توجه

به ریاستی (غیر پارلمانی) بودن نظام سیاسی کشور، طبیعتاً در انتخابات‌های مجلس کمتر شاهد چنین مشارکت سیاسی‌ای بوده‌ایم و تنها انتخابات مجلس پنجم و ششم را می‌توان در چنین سطحی از مشارکت دید، و در حد کمتری مجالس دوم و دهم را. هرچند میانگین مشارکت انتخابات‌های مجلس تا قبل از سال ۹۸ نیز ۵۸٪ بوده که فاصله‌ی چندانی با این تراز ندارد. امید که نظام اسلامی چون گذشته قدرت ساخت و هضم صحنه‌های رقابت جریان‌های اصلی مطرح در جامعه در انتخابات‌ها - خصوصاً انتخابات‌های ریاست‌جمهوری که ذاتاً انتخاباتی سیاسی است - را بیابد و البته همچون سال ۹۶، صحنه صرفاً صحنه‌ی رقابت دو سلب نباشد، بلکه امیدی در انتخابات پرورده شود که نیروی ساخت کشور گردد.

۳) رأی بازه‌ی ۶۰٪-۴۰٪ (در واقع بازه‌ی ۶۰٪-۵۰٪): این بازه را می‌توان بازه‌ی رأی عادی - از ابتدای انقلاب تا سال ۹۶ - دانست که چند سال است که از دست رفته است. همواره بالای ۵۰٪ مردم در انتخابات‌های کشور شرکت می‌کردند و رأی ایشان که - علی‌رغم سلاطین مختلف - راهی برای اصلاح در چارچوب نظام و انتخابات را جستجو می‌کرد، به عنوان رأی اعتماد به اصل جمهوری اسلامی تلقی می‌شد. با در نظر گرفتن حجم بالای آرای باطله در انتخابات‌های اخیر (پس از ۹۶)، فقدان مشارکت در این بازه از سال ۹۸ را باید به عنوان خطری بزرگ به رسمیت شناخت و دانست که هرگونه گفتار و سیاست کلانی که حل این مشکل را در کانون توجه خود قرار ندهد، نمی‌تواند نیاز امروز جمهوری اسلامی باشد. تحلیل دقیق این روند تکرارشونده‌ی کاهش مشارکت، مجال دیگری می‌طلبد، اما طبیعتاً شرایط کشور در سال‌های اخیر و مدیریت کلان آن در دهه‌ی ۹۰ که

هرچه پیشتر رفته، نتایج آن بیشتر به صحنه آمده و مستقر شده است، موجد این وضع است. این موضوع محدود به عملکرد دولت آ.روحانی، یا مشکلات اقتصادی، تبلیغات دشمن، تحولات جهانی، تغییر نسل، گسترش شبکه‌های اجتماعی یا مسئولیت‌ناپذیری احزاب سیاسی موجود نیست؛ البته همه‌ی این عوامل دخیل اند، و سیاست، مواجهه‌ی فعالانه‌ی موثر با چنین عواملی و ساخت حرکت یک ملت در این میانه است. امید که روند کاهش مشارکت در این انتخابات، مرددان دلسوز را نیز به این نتیجه رسانده باشد که امکان تداوم این دست‌فرمان و امید به تغییر وضع با نحوه‌ی مدیریت و فعالیت‌های فعلی مجلس و دولت و... وجود ندارد و باید برای آغاز راهی دیگر خطر کرد.

۴) رأی بازه‌ی ۴۰٪-۲۰٪ : این رأی که هنوز در انتخابات‌های ما وجود دارد، هرچند رأی وفاداری و پیوند قلبی با جمهوری اسلامی نیست، اما به هر دلیلی که باشد، در شرایط فعلی و فعالیت کمپین‌های تحریم انتخابات خارجی و داخلی از طرفی و انتخابات‌های تقریباً غیر رقابتی از طرف دیگر، هرچقدر هم که رانه‌های قومی یا منفعتی در آن موثر باشد، رأیی همچنان چشم‌انتظار است که نوعی پیام استقرار نظام ج.ا. و مرزبندی رأی‌دهندگان با مخالفت فعال با ج.ا. و عدم اعتماد و همراهی با خط سیاسی ایشان را بیان می‌دارد؛ امری که مخالفان با ندیدن آن، تنها خود را اسیر توهم و تصمیمات غلط و غیرسازنده برای آینده‌ی ایران می‌سازند. از سوی دیگر، نزدیک شدن مشارکت در تهران و برخی کلانشهرها به حدهای پایینی این بازه، زنگ خطری برای دوستداران ج.ا. برای از دست رفتن مشارکت و امید این بخش از مردم است. به عنوان مثال، در حالی که میانگین مشارکت انتخابات مجلس در استان تهران تا سال ۹۴، حدود ۴۵٪ بوده است، در انتخابات دو مجلس اخیر مردم استان تهران مشارکت حدود ۲۵٪ داشته‌اند. این موضوع

امید که نظام اسلامی چون گذشته قدرت ساخت و هضم صحنه‌های رقابت جریان‌های اصلی مطرح در جامعه در انتخابات‌ها - خصوصاً انتخابات‌های ریاست‌جمهوری که ذاتاً انتخاباتی سیاسی است - را بیابد و البته همچون سال ۹۶، صحنه صرفاً صحنه‌ی رقابت دو سلب نباشد، بلکه امیدی در انتخابات پرورده شود که نیروی ساخت کشور گردد